



صفحه ۷
۲۹ مهر ۱۴۰۲
شماره ۸۴

قهر قهر تاروز قیامت!

خوبی کردن قرارداد سنگین بستن! دندمدیران نرم، باید پولشونواخ کنن! **شیطان**: این ادبیات ازفرشته‌ای مثل شما بعیده!

فرشته: خسته شدم، هرچی می‌گم، گوش نمی‌کنن. از شونه این بازیکن به شونه اون مدیر برنامه، از شونه این مدیر به شونه اون مربی پریدم، ولی هیچ چی به هیچ چی. اصلا، بهتر! قرارداد های چرب و نرم ببندن، پورسانت منم بدن!

شیطان: فکر کنم به اشتباهی شده. آقای نویسنده، دیالوگای ماجابه‌جا نشده؟! **فرشته**: نویسنده کدوم خریه! چند سری شیطون نیومده بود، من اضافه کاری وایستادم واز این شونه به اون شونه پریدم، قلق کار دستم اومد وفهمیدم کار هم چین سختی هم ندارین!

شیطان: این چه وضعشه؟! به به عمر خدمت ردیلانه وتخصصی ما داره بی احترامی می‌شه! من دیگه کار نمی‌کنم. قهر قهر تاروز قیامت! **فرشته**: آقای نویسنده، این نتیجه (و شاید نبیره!) سیاه نمایی‌های شماست. خب، یه بار هم حرف فرشته‌ها به کرسی می‌نشست چی می‌شد؟! حالا خوبه منم قهر کنم؟! **نویسنده**: آقای گل محمدی، کار یاداینادادی؟ چرا جواب نمی‌دی؟ می‌شنوی اصلا؟!

(وقتی فرشته وشیطان مشغول جروبخت روی شانه های گل محمدی بودند، اوپواشکی از کت خودش خارج شد وقهر کرد رفت!)

یحیی گل محمدی: خب، چندروز دیگه بازی داریم. تیم حریف رواتالیز کنم؟ روی مسائل فنی تیم تمرکز کنم؟ برای بچه‌ها حرف انگیزشی بزنم؟ جنگ روانی باحریف راه بندازم یابه خاطر مطالبات قهر کنم؟! **شیطان**: شری و پرسش؟! خب، معلومه که باید قهر کنه!

فرشته: چی می‌گی برای خودت؟! باید روی تیم خودش وحریف کار کنه. **شیطان**: تیم حریف رو موافقم، البته فقط جنگ روانی! ولی بعد از قهر! چون گل محمدی توی این چند سال بیشتر قهر کرده تا مربیگری، تخصصی قهر می‌کنه وحتی می‌تونه تدریس کنه! یعنی «قهر، گرایش مطالبات»، «قهر، گرایش نقل وانتقالات»، «قهر، گرایش زمین بازی»، «قهر، گرایش سیاسی» و... **فرشته**: از گل محمدی با این همه قهرمانی بعیده.

شیطان: خب اینکه گل محمدی نیست. قبلا اسمش دانمارکی بوده! الان شده گل محمدی! **فرشته**: البته حرفش بیراه هم نیست. می‌گه مطالبات تیم رو بدین.

شیطان: یعنی چی؟ اگه قهر کنه وبهش پول بدن که دیگه قهر نمی‌کنه! اینکه نشد مربیگری! تازه توی این وضعیت مردم، چه معنی داره این قدر به اینا پول بدن؟

یه سال بازی یامربیگری می‌کنن، به اندازه حقوق سی سال یه کارمند پول می‌گیرن. **فرشته**: اصلا کار



محمد رضا باهنر، نماینده ادوار مجلس:

امروز با پول یک لیتر بنزین یک آدامس به آدم نمی‌دهند.

(در گفت‌وگو با تجارت نیوز)

عباس علی آبادی، وزیر صمت:

امروز با پول یک لیتر بنزین یک کیلو گوشت هم به آدم نمی‌دهند.



اکبر طبری:

امروز با چند میلیارد رشوه، یک چهل متری درمولوی هم به آدم نمی‌دهند. باید «شیرینی بچه‌ها» رابیشتر کرد.



مسعود پزشکیان، نماینده دوره یازدهم مجلس:

امروز با پول یک لیتر بنزین ما یک آفتابه آب هم در خارج به آدم نمی‌دهند.



ناتیاهاو:

امروز با کشتن چندتا فلسطینی یک سرزمین به آدم نمی‌دهند؛ باید نسل کشی کنید.



اصغر فرهادی، فیلم‌ساز:

امروز با داشتن فیلمنامه کامل، اسکار به آدم نمی‌دهند؛ باید پایانش راباز گذاشت.

